



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۵/۳۰

احسان لمر

افتضاح تجاوز جنسی بر ارگ

مدتی زمانی است که در غرب (اروپا و امریکا) اتهام تجاوز یا اذیت جنسی مد روز شده که بسیاری از روی اهداف پولی و مالی است، و بعضاً سیاسی و برای بد نامی حریف شان می باشد. در کتگوری اول اتهام اذیت جنسی به مایکل جکسن آواز خوان امریکائی یا دو دهه قبل به آواز خوان فقید فرانسوی که چند سالی از فوتش هم گذشته بود و خانمی ادعا داشت که دخترش از همان هنر مند است تا جائی که مرده را از قبر برای گرفتن (آ. دی. ان) برون نمودند که بعد ثابت شد که آن زن دروغ گفته بود و هدف پول و میراث را داشت که این سلسله تا هنوز ادامه دارد.

در ردیف تهمت و افتراء های سیاسی سه حادثه جهان شمول شد، دومینیک استروس - کان (Dominique Strauss-Kahn) رئیس صندوق بین المللی پول به اتهام سوء استفاده جنسی و تلاش برای تجاوز جنسی باز داشت شد. این اتهام بر اساس ادعای زن (خدمتگار)؟؟ در هتل سوئیتل در نیویارک که محل اقامت دومینیک استراوس کان بوده، وارد شد (در حالی که با پول و عاید وی فواحد لوکس برایش بسیار مساعد بود)، به همین جهت نام برده باز داشت شد. این رسوایی و پرونده قضائی موجب استعفاى او از آن ریاست و هم چنین مانع از حضور وی در انتخابات برای تعیین نامزد حزب سوسیالیست در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ فرانسه شد.

جولین پاول آسانژ (Julian Paul Assange) روزنامه نگار، برنامه نویس کنشگر اینترنت و از بنیان گذاران ویکی لیکس می باشد هدف او از ویکی لیکس به عنوان یک رسانه اینترنتی افشا گر برای اخبار سیاسی و اجتماعی، ایجاد شفافیت در عمل کرد دولت ها بود. ویکی لیکس مطالبی درباره کشتار های غیر قانونی در کنیا، دفع زباله های سمی در ساحل عاج، کتاب های رهنمای کلیسای ساینتولوژی (کلیسای علم شناسی)، وضعیت اسیران ارتش آمریکا در زندان گوانتانامو و عملکرد بانک هایی مانند کوپتینگ و جولیس بائر منتشر کرده است.

در سال ۲۰۱۰ ویکی لیکس اسناد جنگ عراق از جمله ویدیوی کشتار غیر نظامیان در عراق و هم چنان عمل کرد های اردوی آمریکا در آنجا، و جنگ افغانستان را منتشر کرد که برخی از آن ها اسناد محرمانه بوده اند. در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰ ویکی لیکس و پنج همکار مطبوعاتی اشیپگل، نیویارک تایمز، لوموند، گاردین و ال پاپس شروع به انتشار شنود های غیر قانونی دیپلماتیک آمریکا-افشای اسناد دیپلماتیک آمریکا کردند. او بیدار گر و افشاگر واقعیت های پشت پرده بود که آمریکا را به لرزه آورد. در سویدن او را متهم به تجاوز جنسی نمودند و اما نتوانستند آن دروغ را ثابت نمایند بناً در ماه می ۲۰۱۷، خرنوالی سویدن تصمیم برای باز داشت او را باطل نمودند. در 11 اپریل 2019 در اثر فشار های امریکا، کشور اکوادور پناهندگی سیاسی او را لغو و او را به پلیس تسلیم نمود او تا آن هنگام در یکی از اتاق های سفارت اکوادور در لندن زندگی می کرد.

طارق رمضان روشن فکر و اسلام شناس سوئیسی و استاد سابق مطالعات اسلامی معاصر در پوهنتون آکسفورد لندن بود. وی در مباحثه ها و مناظرات مربوط به اسلام در غرب و جهان نقشی فعال داشت. او در آثارش بر قابلیت و اهمیت تطبیق فرهنگ اسلامی با ارزش های مدرن تأکید می کرد و مشارکت مسلمانان را در جوامع دموکراتیک تشویق می کرد. جریده تایم وی را در سال ۲۰۰۴ جزء صد تأثیر گذار ترین شخصیت های جهانی شناخته بود.

او را هم به اتهام چند فقره تجاوز جنسی در ۷ نوامبر ۲۰۱۷ رسماً از آکسفورد اخراج نمودند، ولی در این مدت اتهام وارده را نه نتوانستند ثابت نمایند.

جنرال حبیب احمدزی که روزی مشاور ریاست جمهوری بود، خانم حمیرا وردک {خانم هجرت الله زاخیلوال برادر عمر زاخیلوال می باشد. مریم وردک عضویت تیم صلح و اعتدال و مشاور سابق امنیت ملی حنیف اتمر است}، داکتر بنفشه بهار، دوکتور حمیده وردک و سلیمه نیک بین، ادعا فحشا در ارگ را دارند. این گونه ادعا چند نفره همان بازی کثیف است که بر طارق رمضان و جولین آسانژ هم بکار بردند

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

دوست فرزانه ای در فیس بوک نوشت: «بانگ نا مبارک «فحشا در ارگ» که از گوی یکی از ارتش مرد های رنجیده و به جای نا رسیده‌ی همان ارگ بر شانه‌ی رسانه های کج اندیش پالان زده شد، در کوتاه مایه گی بیان خویش گویای بی زبان واژگونی اخلاقی و اُفتِ ارزش شناسانه است که جامعه‌ی افغانی و پیش از همه بخش چشم گیر هم بود مکتبی ها تا تار و پود خویش به آن مبتلا می باشد. پرسمان «فحشا»، آن هم در گردان سخیف پیوند نازک میان مرد و زن دیار مرد سالار و عشیره مشرب ما، بی گمان، از ربایش ویژه و سوزش شگرف بر خوردار است. گذر شتاب زده به گهنامه یک سده پیش سر زمین آشوب زده‌ی ما و سقط زمام داری پادشاه نو اندیش، امیر امان الله خان غازی، بار بار به یاد می دهد که ساز و برگ فاجعه‌ی بر اندازی نام برده، منجمله در آوند ننگین «فحشا» رقم زده شد.....»

از آن جایی که پدیده‌ی فحشا و مغازله های جنسی آدم ها خیلی فردی بوده و در دیار سنگ واره‌ی ما خیلی پنهانی و ستر راه می‌افتند، ادعای جنرال پر خط و خال و امانی دارد پنداشت که آقای احمدزی خود یا فاعل و یا مفعول چنین «فحشای سیستماتیک» در زیر گذر های ارگ تشریف داشته که با چنین ایمان و ایقان کمر رسوا سازی و پرده برداری از روی این «نا شایسته گی» بسته است.»

ولی حمیرا وردک و ویدا ساغری داکتر بنفشه بهار ، دوکتور حمیده وردک و سلیمه نیکبین که از ادرس یک زن این اتهام را وارد نموده، توهین صریح روشن و آشکار به تمامی زنان وزیر، معین و وکلا و پرسونل اداری دفتر جمهوری است.

(آوای افغان) در این باره نوشت: «این خانم که وسیله تبلیغات تیم اتمر به نظر میرسد باید خودش جواب بدهد که چگونه در وقتش به مشاوریت شورای امنیت وقت که در رأس اتمر بود رسیده؟ آیا به تن فروشی او نیز تن داده یا خیر؟ اگر تن نداده پس چگونه رسیده در حالی که خود ادعا می کند یگانه راه رسیدن روابط جنسی است!»

سایت فیس بوک **(ناب)** نوشت: «کار زار کثیف علیه زنان تنها آغاز کار است. به راه انداختن جنگ روانی علیه نهضت زنان برای سرنگونی نهضت دوره امانی را به یاد بیاوریم؛ تلاش برای بغاوت علیه کوشش صدراعظم سردار محمد داوود خان جهت حضور زنان در زنده گی اجتماعی و باز تیزاب پاشی بر روی بانوان در دهه دیموکراسی دوره سلطنت ظاهر شاه را به یاد بیاوریم؛ و آن چه را که پس از ثور سال ۱۹۹۲ و به خصوص با روی کار آمدن طالبان بر زنان گذشت به یاد بیاوریم؛... و بالاخره مخالفت ها با تحقق حقوق قانونی زنان و برخورد های وحشیانه با زنان در ۱۸ سال اخیر از سوی عناصر و گروه های زن ستیز و ... زجر کشی علنی و دسته جمعی فرخنده را به یاد بیاوریم ...»

با توجه به تجارب تلخی که در بالا به آن ها به صورت کوتاه اشاره شد، غیر قابل انتظار نیست اگر از جعبه های شیطانی جنگ روانی برای تضعیف حکومت تا سرحد تمکین و تسلیم و در غیر آن بر اندازی اش و یا هم بالاخره ناکام ساختن اشرف غنی در انتخابات، هزار و یک ادعای دیگر مطرح شوند. و اما، شکی نیست که باز هم و باز هم حمله بر حقوق زنان به حیث کثیف ترین سلاح برای مسموم ساختن ذهنیت عامه چه به صورت بی پرده و چه هم زیر پرده های رنگارنگ و فریبنده، مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

نه نه ، اشتباه نه شود، چنان نیست که ارگ مدینه فاضله و مطهره باشد و هر کسی و هر مقامی که در آن جا است، از جهان قدسی و با خصایل قدسی نزول اجلال فرموده باشد. این امکان وجود دارد تا کسانی در ارگ کارهای نیابیدی کرده باشند. اگر کسی مورد مشخصی را با سند و مدرک مطرح کند باید ادعای وی جدی گرفته شود و با متهم هم بر خورد قانونی لازم صورت بگیرد .

و اما آقای حبیب الله احمدزی اتهامات خود را چنان مطرح کرده که کثافت آن شخصیت و سیمای هر بانوی شاغل در کرسی های دولتی و نماینده گان زن در پارلمان کشور را لکه دار بسازد. و گمان نه می رود که وی از روی اشتباه چنین کرده باشد. وی مخالف حضور گسترده و موثر زنان در زنده گی اجتماعی است.»

همین حبیب الله احمدزی با قهر طی مصاحبه ای مطبوعاتی تلویزیونی خورشید می گوید: «زنها در پارلمان آمدند، در حکومت اصلاً جا نیست در وزارت دفاع و داخله در کدام زمان شنیده باشید که زنها بیایند و پست های حساس را بگیرند ...»

مصاحبه زن ستیز و چهره واقعی حبیب احمدزی را در این ویدیو مشاهده و استماع نمائید:

www.youtube.com/watch?v=fDLPKaAcV2U&fbclid=IwAR30m3GVUFew2DwUIrjB4dKO9lgSAhENXoo-ceotTuJ00RlCF3MUfmT15G0

<https://www.facebook.com/asamai.nab/videos/833507420349206>

وقتی این ادعا را شنیدم بیادم آمد که شاه سعودی وقتی دو سه سال قبل برای اولین بار چند زن را در پارلمان انتصابی آن کشور گماشت علما دینی آن کشور آن زنان را روسپی ها و ... گفتند و یا محمد صادق خان مجددی در دشنام نامه خود (خاطرات سیاسی) که نیات و طرز تفکر شوم خود را منعکس نموده است در جایی نوشته بود



که گویا دولت «امانی»: "در تفقد طایفه نسوان مشغول" و "... به اقسام شناخت به اصناف اعمال محزنه مدنس" بود، "همگی مناهی و منکرات را جائز بلکه واجب" نموده بود، "بازار بی دینی و بی ناموسی پهن" شده و او هم "به بحر حیرت، به گرداب حسرت، به غدیر تشویر، غریق لجه نا پیدا کنار" گردیده و می دانست که این [آتش؟] خانمان افغانستان را طعمه حریق می گرداند و "با این سیل، بنیه اسلام منهدم میشود" ولی وی آن همه را به نهضت امانیه تهمت زده است در حالی که (400 زن و کنیز) در دربار امیر قبلی بود ولی مجددی هرگز چنین چیزی ندیده و نه شنیده بود.

این دوره قبل از امانیه است که مجددی در آن زمان خاموش بود و چیزی در باره نه نوشته. وی دشمنی با علم و معارف و با سوادى جوانان وطن را چنین با خشم و غضب ابراز می دارد که بدین نحو معارف ستیزی و دشمنی با این ها را با علم و فرهنگ ملاحظه می نمایند: "دختران بی دینی را یاد گرفتند در بدل این که عفت و عصمت را بیاموزند خلاعة و شناخت. به مقابل این که جوهر شرف و ناموس خود را حفظ کنند، یگانه گوهر دوشیزگی را از دست دادند و هر کدام از دخترها قبل از آن که جوان شوند مادر شدند. دخترهای مکتب حسب مقتضیات نفس اماره بار دار شدند و سقط های متعدد در کوچه و بازار کشف گردید. پدرها و مادرها و برادرها خجالت مند و منفعل شدند، دخترهای مکتب حسب مقتضیات نفس اماره و شیاطین مکاره در بی حیایی و بی شرمی گوی سبقت از فاحشه ها ربودند، در کوچه و بازار مغازه و معاشقه شان زبان زد عوام گردید و نانه کج رفتاری شان شطه لهیبه خود را به عیوق {ستاره} رسانید. در همگی افراد مکتب مستورات از سن ده ساله گی و بعد آن دوشیزه گی به صفت عنقا مغرب متصف شد. حینی که دخترها از مکتب مستورات و جوانها از مکتب امانیه به وقت عصر خارج می شدند یک حالت عجیبه اختلاط این دو جنس مشاهده می گردید که یک نفر انسان با غیرت و شرافت نه می توانست به سوی آنها نگاه کند. این وضعیت مخالفه دین و عادات افغانستان در ملت غیور افغان به درجه تأثیر خراب کرده بود که نه تنها مکتب مستورات بلکه نام معارف و مکتب را الحاد و زندقه می دانستند"

داکتر صاحب نور احمد خالدی نوشت: «وقتی مردم اتهامات فاشیسم ارگ را خریدند، اتهامات حمایت از طالب و داعش میان تهی بر آمد، به اتهام افتتاح کلیسا در ارگ خندیدند، و تأکید بر ختم کار رئیس جمهور در اول جوزا قبل از انتخابات اعتبار قانونی نداشت، مخالفان حالا به یاد زمان شورش ضد امان الله خان افتاده اتهامات موجودیت فحشا را وارد کرده و حیثیت هزاران دختر و زن پاکدامن و با عفت افغان را که در مجموع دولت افغانستان و از جمله در ارگ ریاست جمهوری بکار شرافتمند مصروف هستند مورد سؤال برده اند. این افراد می خواهند تا از تحریک احساسات غیرت و ننگ و آبروی مردم برای رسیدن به مقاصد خود سؤ استفاده کنند! آیا برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری باید به این سطح نزول کرد و حیثیت بلند ترین مقام اداره دولت را مورد سؤال قرار داد؟ این گونه اتهامات پذیرفتنی نیست و باید از جانب خانونالی پیگیری و ثابت شوند!

بیانید بی طرفانه ببینیم اتهام جنرال احمدزی چگونه وارد شد. جنرال احمدزی از مقام مشاوریت در ارگ استعفا میکند تا در انتخابات ولسی جرگه به شورای ملی راه یابد. موصوف در انتخابات شکست می خورد. بعد از شکست موصوف دوباره به ارگ مراجعه میکند تا به وظیفه مشاوریت گماشته شود. تا این زمان موصوف هیچ مشکلی با ارگ ندارد و ارگ یک مقام خوب و سالم برای کار کردن است. اما وقتی ارگ دوباره او را نه می پذیرد، ارگ مسؤل شکست موصوف در انتخابات قلمداد میشود و اتهامات فحشا در ارگ از جانب این شخص وارد می گردد. حالا وقتی می گویند باید در محکمه اتهامات خود را ثابت کنی میگویند به شرطی در محکمه حاضر می شوم که سیاف و حکمتیار نیز حاضر باشند! به این آقا باید تفهیم شود که جرم عمل شخصی است و این شخص متهم است که با اتهامات بی دلیل و مدرک به حیثیت مقام ارگ لطمه زده است و اگر نتواند با دلیل و مدرک موثق ادعا های خود را ثابت کند به جرم افترا به زندان خواهد رفت!

محترم ضیا دانش تحت عنوان {پیامد های اجتماعی و روانی اتهام اخلاقی به زنان شاغل} نوشته بود:

برخی از سیاسیون این روزها، بدون مسئولیت پذیری، قانون مداری و اخلاق گرایی، حیثیت و عزت زنان را ابزار تبلیغاتی برای انتقام جویی در منازعات قدرت و سیاست قرار داده است که سلامت و امنیت اخلاقی جامعه را مخدوش ساخته و مایه نگرانی، مخصوصاً برای زنان شده است.

طرح اتهام اخلاقی به زنان و استخدام شدن آنها در ادارات در بدل واگذاری حیثیت و شرف انسانی شان، چنان صدمه محکم و خطر ناک بر روند مشارکت زنان و فرایند سهم گیری آنان در اداره جامعه وارد خواهد کرد که می توان به جرأت گفت، کمتر از ضربات طالبان بر روح و روان و تاریخ این بخش از جامعه خواهد بود....

به صورت گذرا می توان به موارد ذیل به عنوان این پیامد های ناخوش آیند اشاره کرد:

1- تقویت جبهه افراطیون و بنیاد گرایان: متأسفانه ذهنیت زن ستیزانه در افغانستان در طول چهل سال جنگ تشدید و توسعه یافته است

2- توجیه اعمال تروریستی و خشونت طالبانی علیه زنان.....

3- ایجاد و گسترش منازعات و خشونت های خانوادگی

4- افزایش سو رفتار های اجتماعی در برابر زنان: اتهام تن دادن زنان به فحشا در برابر بدست آوردن پست و کار، سبب تنزل شخصیت انسانی آنها در اجتماع می گردد که پیامد های آن، افزایش آزار های زبانی، بدنی و بی اعتنائی به حرمت و حیثیت و ... می باشد

5- کاهش اعتماد به نفس زنان برای مشارکت در امور اجتماعی:

6- خروج تدریجی زنان از روند مدیریت جامعه:

7- تداوم و افزایش قتل های ناموسی، طرح اتهامات اخلاقی به زنان کارمند.

آقای دانش در یک نکته دیگر از قول دیوید جونز (پیر بغدادی) اشاره می کند که دسیسه مشترک بریتانیه و به اصطلاح روحانیت در افغانستان را نشان می دهد او می نویسد: "یک بخش از طرح امپراتوری بریتانیا این بود که من باید در لباس پیر روحانی موضوع تعلیم و نوع لباس زنان را در میان مردم افغانستان به شکل منفی مطرح نموده و از این طریق افغانها را علیه نظام شاه امان الله خان که هر روز به سوی ترقی و پیشرفت بود متحد نمایم. انگلیس ها می دانستند که یگانه موضوع حساسیت بر انگیز که می تواند مردم را به قیام وا دارد موضوع ناموسی می باشد. من باید از زیرکی خاص در این مورد کار می گرفتم به خاطری که من که در لباس پیر روحانی به قریه جان می رفتم نه می توانستم اتهامات را به شکل مستقیم در میان مردم مطرح نمایم به خاطری که مردم شاه جوان را دوست داشتند و به اسانی به اتهامات گوش نه می دادند. بنا زمانی که موضوع را مطرح می کردم به طور مثال در ابتدا از تعریف شاه جوان شروع می کردم و می گفتم که تحصیل دختران در خارج از کشور خوب است اما ان قدر هم نه که دختران جهت فرا گرفتن تحصیل از عفت و آبروی خود بگذرند {عین اتهام حتی توهین در نوشته محمد صادق خان مجددی ملاحظه می شود}.

دیوید جونز همچنان در خاطرات خود می افزاید که: مجله انگلیسی زبان را که در مورد پیشرفت تحصیل دختران بریتانوی همراه با تصاویر آنها معلومات نشر کرده بود در میان مردم باز نموده و برای شان تشریح می دادم که این دختران افغان هستند که با ملکه انگلیس عکس گرفته اند. همان بود که تغیر واضح در چهره کسانی که دورم جمع شده بودند می دیدم و با خود می گفتمند افسوس که ما به خاطر حفظ ناموس جنگ کردیم اما امروز ناموس ما در میان انگلیس این طور بی حجاب»

در وضعیت امروزی زنان افغانستان چنین می پندارم که همان بازی گران و همان دسیسه ها بد نام کننده سیاسی را از سر گرفته اند تا کام استعمارگران، پیرها و جهادی ها و عطش به قدرت رسیدن دوباره شان بر آورده شود. و از همین اکنون همچو حبیب الله احمدزی و حمیرا وردک (داعشی) ویدا ساغری و امثال شان امادگی به قدرت رسانیدن طالب و داعش را دارند. آنها به خاطر حفظ منافع شخصی حالا که از صحنه سیاست رانده شده آمده و چهره شرافت مندان را بخود اختیار کرده اند. به این گونه اشخاص می گویند نمک حرام!

بقول از New Afghan Page «انسان های بی وجدان در سیاست شوم و مزخرف تان پای ناموس، زن، خواهر، و مادر این سر زمین را دخیل نکنید.»

«سر شکنی ها برای غصب قدرت به ذروهی دست یافته است که سبب بیزاری و تنفر می گردد!»

بدین گونه عقب این بازی احمقانه و ذلیل و پست مثلث شیاطین آشکار می شود که (عمران خان پاکستانی از یک جهت - اتمر و چپاول گران جهادی در دو زاویه دیگر) قرار دارند.